

نگاه روانشناس

خانه شده است خوابگاه

اسفندیار آزاد | روانشناس |

این افراد از این نوع روابط که نسبت به آن مسئول نیز هستند، دوری می‌کنند و این را می‌توان یک نوع آسیب در روابط شهروندی افراد قلمداد کرد.

با این حال اغلب نظاره‌گر این موضوع هستیم که افراد در شغلی که دارند احساس نارضایتی می‌کنند. این پدیده به گونه‌ای است که افراد ارزش خود را در آن کار نمی‌بینند و به الطبع تلاش‌هایی که انجام می‌دهند را هم به ضرر نشان. هر انسانی در طول روز از یک منبع و میزان توانایی یا انرژی خاصی برخوردار است؛ اگر افراد در کار اول خود صادقانه به انجام فعالیت‌هایشان بپردازند قطعاً برای کار دوم دیگر انرژی لازم را نخواهند داشت. از طرفی این موضوع صرف و هدر می‌شود. دو شغله بودن یکسری هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کند که قابل برگشت و بازایی نیست.

کسانی که در شغل دوم مشغول فعالیت هستند به غیر از ضرری که برای جامعه دارند از مسأله دیگری هم متضرر می‌شوند؛ آنها به نوعی در حال وارد کردن هزینه‌های گزاف به فیزیک و روح خودشان هستند. این نوع افراد به خودشان بیش

از همه ضرر می‌رسانند و باعث تخریب شرایط روحی و جسمی خود هنگام انجام دو شغل می‌شوند. مهم‌ترین بحث در مقوله دو شغله‌ها موضوع از دست رفتن ظرفیت‌ها است. کسانی که در جامعه به دو شغل مشغول هستند قطعاً ظرفیت کاری موجود برای افرادی که به دنبال کار هستند را از بین خواهند برد. افرادی که اغلب در کار دوم مشغول به کار هستند به خاطر عوارض و خستگی که کار دوم برای آنها به وجود می‌آورد در روابط اجتماعی‌شان

در دچار مشکل، کمبود و بی‌حوصلگی می‌شوند. بسیاری از افرادی که به شغل دوم روی می‌آورند علت اصلی جبران کمبودهای اقتصادی است اما گروهی هم به دلیل دیگری برای این موضوع دارند و آن بحث‌های روانی و درگیری اجتماعی روزمره آنها است، به عبارت دیگر این گروه افرادی هستند که در شیفت اول کاری از لحاظ روانی و اجتماعی ارضا نمی‌شوند. مهم‌ترین مسأله پیرامون شغل افراد در یک جامعه رضایتمندی آنها است زمانی که افراد از شغل‌شان رضایت داشته باشند و با آن ارتباط خوبی برقرار کنند دارای هویت شغلی می‌شوند؛ که ما اغلب این موضوع را در جامعه خودمان نظاره‌گر نیستیم. به بیان بهتر رضایت شغلی در جامعه امروز ما به چشم نمی‌آید. در بسیاری از مواقع افراد به دلیل مشکلات خانوادگی که با آن درگیر هستند مجبور انتخاب شغل دوم می‌شوند، این افراد به نوعی از مشاغل و حرفه‌ها و مشکلاتی که اغلب با همسر خود دارند فراری می‌شوند و ترجیح می‌دهند که از خانه و محل زندگی‌شان دور باشند و فقط برای استراحت به خانه مراجعه کنند. اما بالطبع شغل دوم افراد آنها از تعاملات اجتماعی که باید در زندگی‌شان دور باشند و به آن متعهد باشند دور می‌کنند؛ این روابط در قالب روابط با خانواده یا دوستان و افراد دیگر جامعه تعریف می‌شود.

جامعه کمبودهایی را حس می‌کنید چه از لحاظ ارتباط شهروندان یا یکدیگر و چه از لحاظ خدمات مختلف دچار کمبود و عدم خدمت‌رسانی می‌شوید؛ یکی از دلایل آن گرایش افراد به شغل دوم است.

شغل دوم ناخودآگاه مشکلاتی را در سراسر جامعه ایجاد می‌کند. اگر افراد در مشاغلی که هستند به آن اهمیت دهند و با صداقت و صوری فراوان با آن مواجه شوند و در قبال آن کاری که انجام می‌دهند، مسئول باشند ناخودآگاه پیشرفت هم در کارشان و هم خدمتشان بروز می‌دهد

در سطح جامعه نمایان می‌شود. مهم‌تر این‌که خود افراد نیز مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرند و همین موضوع باعث ثبات کاری افراد در کارشان شده و باعث ارتقای کیفیت رفتاری افراد در جامعه خواهد بود. اما موضوع دو شغله‌ها در جامعه ما بحث مهمی قلمداد می‌شود و کاملاً حایز اهمیت است، اما مسأله‌ای که در این رابطه بسیار مهم و تأثیرگذار است بحث عوارض جسمانی است که در دو شغل مشغول به کار هستند.

اغلب افرادی که در دو شغل مشغول به کار هستند از تربیت و رسیدگی به موضوعات خانوادگی‌شان عقب می‌مانند یا بهتر این‌که از این موارد غافل هستند زیرا از نیازهای روزمره افراد خانواده‌شان بی‌خبرند. این در حالی است که می‌شود با درآمد کمتر و رسیدگی مناسب به خود و خانواده به زندگی مطلوب‌تر و سالم‌تری دست پیدا کرد. با وجود اغلب نظاره‌گر اتفاقاتی ناگوار برای فرزندان‌کی که پدر و مادر دو هستند، هستیم.

بسیاری از تعاملات فرزندان دور از والدین در سطح جامعه و ارتباط و وظیفه شهروندی‌شان در قبال افراد دیگر دچار مخاطره می‌شود و مشکلاتی را نیز از نظر چندشغله بودن به واسطه این که اصل موضوع در حال حاضر خانه‌های ما تبدیل شده است به خوابگاه

در سطح جامعه نمایان می‌شود. مهم‌تر این‌که خود افراد نیز مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرند و همین موضوع باعث ثبات کاری افراد در کارشان شده و باعث ارتقای کیفیت رفتاری افراد در جامعه خواهد بود. اما موضوع دو شغله‌ها در جامعه ما بحث مهمی قلمداد می‌شود و کاملاً حایز اهمیت است، اما مسأله‌ای که در این رابطه بسیار مهم و تأثیرگذار است بحث عوارض جسمانی است که در دو شغل مشغول به کار هستند.

اغلب افرادی که در دو شغل مشغول به کار هستند از تربیت و رسیدگی به موضوعات خانوادگی‌شان عقب می‌مانند یا بهتر این‌که از این موارد غافل هستند زیرا از نیازهای روزمره افراد خانواده‌شان بی‌خبرند. این در حالی است که می‌شود با درآمد کمتر و رسیدگی مناسب به خود و خانواده به زندگی مطلوب‌تر و سالم‌تری دست پیدا کرد. با وجود اغلب نظاره‌گر اتفاقاتی ناگوار برای فرزندان‌کی که پدر و مادر دو هستند، هستیم.

بسیاری از تعاملات فرزندان دور از والدین در سطح جامعه و ارتباط و وظیفه شهروندی‌شان در قبال افراد دیگر دچار مخاطره می‌شود و مشکلاتی را نیز از نظر چندشغله بودن به واسطه این که اصل موضوع در حال حاضر خانه‌های ما تبدیل شده است به خوابگاه

تسخیر می‌کند؛ خشم و عصبانیت در تمام رفتارهای او غالب خواهد بود. بی‌حوصلگی و رفتار نامناسب با اطرافیان، چه در جامعه و چه در خانه، از جمله چنین نتایجی است. در مطالعات و بررسی‌هایی که ما روی ۱۰۰ نفر انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که در اکثر قریب به اتفاق موارد فرار دختران از خانه، رفتار خشونت‌آمیز پدر هنگام ورود به خانه و در زمان حضور در خانه، علت بوده است. این برخوردهای خشونت‌آمیز، معلول بی‌حوصلگی و خستگی مفرط ناشی از کار بی‌حد و حصر است. مورد دیگری که می‌تواند در عداد معضلات چند شغله بودن، به شمار بیاید، کارآمدی و بازدهی کار افراد است. معلمی را در نظر بگیرید که در همین شغل، مجبور است هفته‌ای ۳۰ یا ۴۰ ساعت تدریس کند؛ بعد از کار مدرسه، تا آخر شب، ماسک‌فکشی و روز به روز همین منوال کار کند؛ چطور می‌توان انتظار بازدهی بالا برای تدریس و آموزش به دانش‌آموزان را داشت؟ قطعاً این فرد نمی‌تواند آن طور که شایسته است، تدریس کند و حوصله لازم برای آموزش به شاگردانش را داشته باشد. به همین دلیل است که دانش‌آموزان آن کلاس و سایر کلاس‌هایی که این فرد در آنجا تدریس می‌کند، به میزانی که نیاز هست، از آموزش بهره نمی‌برند و لذا افت تحصیلی برایشان اتفاق می‌افتد. حالا تصور کنید چند نفر و چند معلم در کشور وجود دارند که به خاطر مسائل اقتصادی، مجبور به داشتن حداقل دو شغل هستند و به دنبال این مسأله، چند دانش‌آموز از آموزش لازم محروم خواهند شد؟ در چنین شرایطی، دور از انتظار نیست افت تحصیلی دانش‌آموزان و در نهایت، افت نهاد آموزش و پرورش. مشکل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که وقتی یک فرد به‌طور مثال سه شغل را دارا است، یک شغل از آن سه شغل، برای خود او و در واقع، حق اوست، اما دو شغل دیگر، برای او فرد دیگری است که این فرد آنها را تصاحب کرده است و به تبع آن، فرصت کار و اشتغال از او نقر، دو جوان آماده کار، گرفته می‌شود و آنها بیگار می‌مانند و این یک ناعدالتی عمومی و بی‌احصاف در حق جامعه است؛ اما این افراد چه می‌توانند بکنند؟ کسی که در برآورده ساختن هزینه‌های زندگی خود و خانواده خویش مانده است، نمی‌تواند از کار کردن چشم‌پوشی کند تا به فکر سلامت روح و جسم خود باشد. وظیفه دولت است که کاری کند و تدبیری بیندیشد. همچنان که در سایر کشورهای دنیا، مدیریت اقتصادی جامعه بر عهده دولت است.

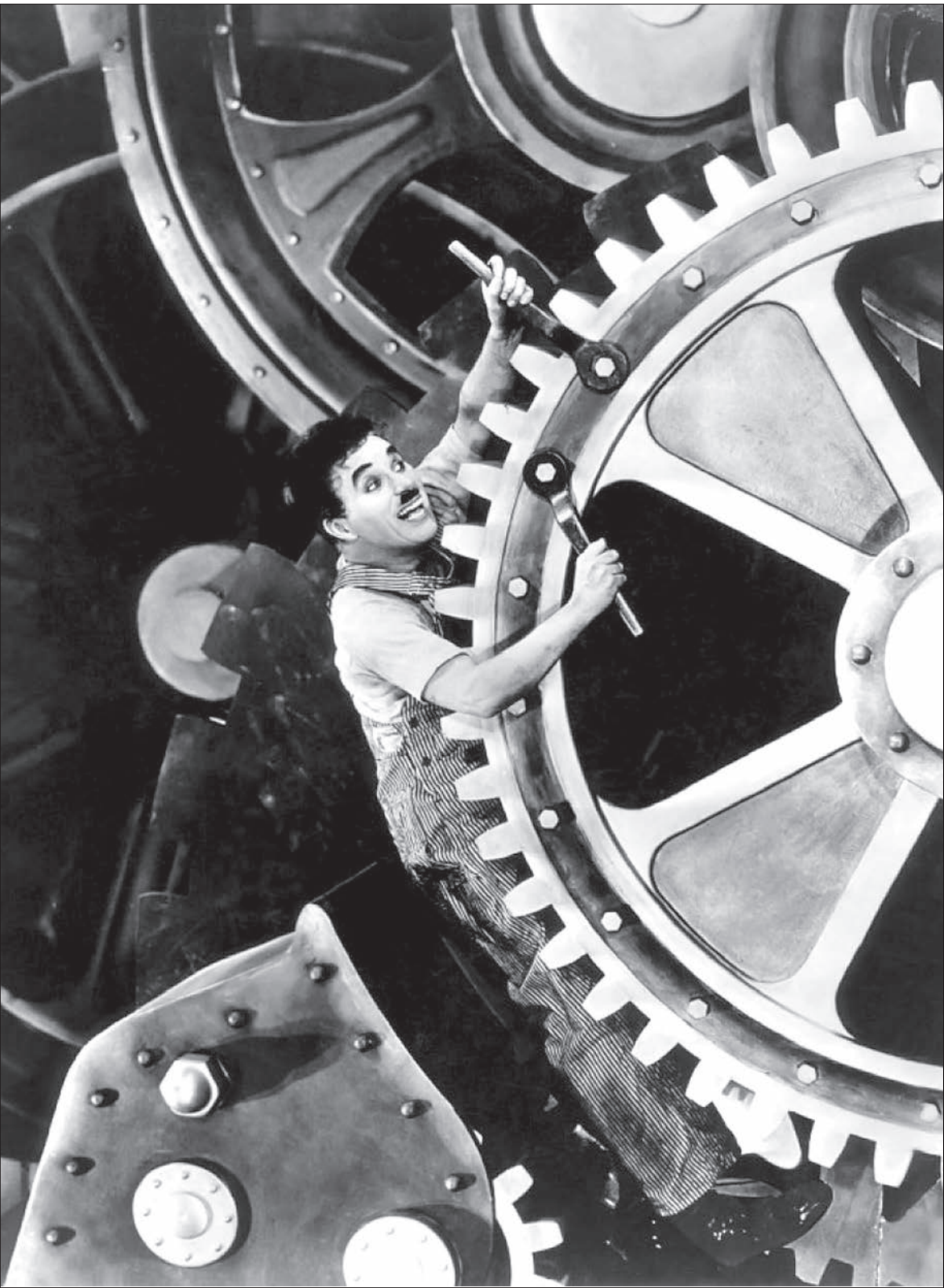
● **عده‌ای معتقدند که چنین افرادی پس از مدتی، دچار نوعی حس ابرازوارگی و از خود بیگانگی می‌شوند؛ احساسی که آنها را در نظر خود به موجوداتی در حد و اندازه یک ابزار برای تولید و به‌دست آوردن پول نازل می‌دهد و در نهایت موجب بروز احساس پوچی و از میان رفتن هویت انسانی‌شان می‌شود؛ این نظریه‌ای پذیرد؟**

«فردریک وینسلو تیلور» (Frederick Winslow Taylor) (۱۸۵۶-۱۹۱۵) با استفاده از مطالعات زمان و حرکت جریان کار، سعی در بهبود کارایی صنعت داشت؛ به این ترتیب که میزان زمان، هزینه و تلاش‌های مورد نیاز برای تولید یک محصول را به حداقل برساند. نظریه زمان و حرکت او، به معنی تعیین و اندازه‌گیری حرکات فیزیکی کارگر، هنگام انجام کار بود که بر تحلیل نتایج و حذف حرکاتی که موجب کاهش تولید می‌گشت حذف داشت؛ یعنی کاهش حرکات جسمانی کارگر تا حد حرکت‌های ضروری و اساسی. نظریه تیلور به ژاپن رفت و در آن‌جا موجب پیشرفت زیادی در صنعت تولید شد. اما بعدها به این نظریه ایرادهای زیادی گرفتند. تیلور به تمامی عناصر دخیل در تولید به یک چشم‌نگاه می‌کرد و این را مثل سایر ابزار کار و جزو یکی از عناصر تولید در نظر می‌گرفت؛ به همین دلیل به او انتقاداتی وارد شد. عده‌ای او را متهم به فقدان حس نوع‌دوستی کردند و وحشت کارگران از ساعت و ثانیه‌شمار و اخراج در اثر کندی کار منتهی به اعتراضات شدیدی شد. مارکس گفت که این نوع کار کردن و در نظر گرفتن کارگر به‌عنوان یک عنصر تولید، در کنار سایر عناصر، به نوعی «از خود بیگانگی» و یک بی‌انسیون است. الیناسیونی که انسان را در حد یک ابزار یا یک ماشین، پایین می‌آورد و در این شرایط، انسان، دیگر «انسان» نیست. فیلم عمر جدید چارلی چاپلین در پاسخ به همین الیناسیون و از خود بیگانگی ساختن، در فیلم می‌بینید که تمام حرکات دست چارلی چاپلین، به‌عنوان یک کارگر، در کنترل خودش نیست؛ دقیقاً مانند یک ماشین مکانیکی، حرکات دست او به‌طور منظم و یکسان تکرار می‌شود. جولو تری آیدو می‌بینید که دستگامی ساختند که خودشان غذا را دهان کارگر می‌گذاشت و آن دستگام، با دستمال، دهان او را پاک می‌کرد. این دستگام به این منظور ساخته شده بود تا کارگر هیچ زمانی راحتی برای غذا خوردن هدر ندهد؛ برای این که تولید، به‌صرفه‌تر شود و خوردن برای انجام یک کار سپری شود. انسان را از بین می‌برد و انسانیت را نادیده می‌گیرد، برای این که سود بیشتری عاید صاحبان سرمایه و ابزار آلات شود. صنعت بی‌حد و حصر، انسان را می‌کند؛ دقیقاً شبیه آن قسمت از فیلم که چاپلین، درون چرخ دنده‌های ماشین، بیچ و تاب می‌خورد و گیر می‌کند. او به مثابه یک بیچ و تاب‌شمار می‌آید؛ انسان در جامعه شهری امروز، به‌خصوص شهری مثل تهران، شبیه چارلی چاپلین در فیلم عمر مدرن است. او در میان چرخ دنده‌های این شهر، در میان چرخ دنده‌های اقتصاد و صنعت و کار بی‌حد و حصر، گیر کرده است و در حال له شدن است. اما این فرد چاره‌ای ندارد. اگر راهی وجود دارد، بگویند این فرد و همه افراد متوسط دیگر در جامعه ایران، مجبورند که نیازهایشان را پاسخ دهند و داشتن یک شغل، کفاف این هزینه‌ها را نمی‌دهد. تناسبی میان هزینه‌ها و درآمد وجود ندارد؛ سمددی به‌زیبایی می‌فرماید:

«بر احوال آن مرد باید گریست؛ که دخلش بؤد نوزده و خرچ بیست»

سعدی، در جای دیگر، پند می‌دهد که در شرایط حال حاضر ما، عمل کردن به آن بسیار سخت است اما می‌تواند کمی چاره‌ساز باشد: «چو دخلت نیست، خرج آهسته کن / که می‌گویند ملاحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد / به سالی دجله گردد خشک‌رودی»



تیبینی بر موضوع چند شغله بودن، دلایل، نتایج و معضلات متعاقب آن؛ در گفت‌وگو با قریب مقدم

بر احوال آن مرد باید گریست...

شغل، موثر است. به این معنی که به‌رغم درآمد مکفی، افراد به دلیل ترس از بیگاری، بر کردن اوقات فراغت یا حرص و ولع برای پول در آوردن، اقدام به انجام چند شغل به صورت هم‌زمان می‌کنند و به نوعی با این کار، «خود

– ارضایی ذهنی» انجام می‌دهند تا احساس اهمیت و جایگاه اجتماعی در جامعه داشته باشند. حرص به جمع کردن پول و خرج کردن بیش از اندازه، یا آن چیزی که من آن را «شئ» سرسوری نام نهاده‌ام، دلیل دیگری بر چند شغله بودن افراد است. به عبارت ساده‌تر، افراد برای خریدن خودرو گرانیقیمت‌تر، طلا، وسایلهای لوکس منزل و چیزهایی از این دست، حاضرند از استراحت و راحتی خودشان بزنند اما چنین چیزهایی را تهیه کنند تا احساس شخصیت پیدا کنند؛ یا به نوعی احساس افتخار در برابر سایرین داشته باشند و به دیگران فخرفروشنده‌ی سرسوری چیزی است که در جامعه امروز شهری مشاهده می‌کنیم؛ یعنی افراد، بنده‌اشیاء شده‌اند؛ مدلول کلام فوق این است که چنین افرادی، با وجود داشتن درآمد کافی و داشتن استطاعت مالی، حاضرند برای خرید چیزهای غیر ضروری، از استراحت و بودن در کنار خانواده و فرزندان بگذرند. «ایو لاکست»، جامعه‌شناس آمریکایی می‌گوید: «مردمان جهان سوم، بیشترین درآمدشان را به جای تولید و کار، صرف تزیینات می‌کنند».

● **معضلات و مشکلاتی که به دلیل اشتغال به بیش از یک شغل، برای خود فرد شاعقل به چند شغل و همچنین برای خانواده و فرزندان او در نهایت برای جامعه به‌وجود می‌آید، چه چیزهایی است؟**

چون این افراد دائماً در حال کار کردن هستند، رسیدگی به امور خانه و خانواده برایشان موضوعیتی ندارد. آنها نه تنها در

شغل، موثر است. به این معنی که به‌رغم درآمد مکفی، افراد به دلیل ترس از بیگاری، بر کردن اوقات فراغت یا حرص و ولع برای پول در آوردن، اقدام به انجام چند شغل به صورت هم‌زمان می‌کنند و به نوعی با این کار، «خود

– ارضایی ذهنی» انجام می‌دهند تا احساس اهمیت و جایگاه اجتماعی در جامعه داشته باشند. حرص به جمع کردن پول و خرج کردن بیش از اندازه، یا آن چیزی که من آن را «شئ» سرسوری نام نهاده‌ام، دلیل دیگری بر چند شغله بودن افراد است. به عبارت ساده‌تر، افراد برای خریدن خودرو گرانیقیمت‌تر، طلا، وسایلهای لوکس منزل و چیزهایی از این دست، حاضرند از استراحت و راحتی خودشان بزنند اما چنین چیزهایی را تهیه کنند تا احساس شخصیت پیدا کنند؛ یا به نوعی احساس افتخار در برابر سایرین داشته باشند و به دیگران فخرفروشنده‌ی سرسوری چیزی است که در جامعه امروز شهری مشاهده می‌کنیم؛ یعنی افراد، بنده‌اشیاء شده‌اند؛ مدلول کلام فوق این است که چنین افرادی، با وجود داشتن درآمد کافی و داشتن استطاعت مالی، حاضرند برای خرید چیزهای غیر ضروری، از استراحت و بودن در کنار خانواده و فرزندان بگذرند. «ایو لاکست»، جامعه‌شناس آمریکایی می‌گوید: «مردمان جهان سوم، بیشترین درآمدشان را به جای تولید و کار، صرف تزیینات می‌کنند».

● **معضلات و مشکلاتی که به دلیل اشتغال به بیش از یک شغل، برای خود فرد شاعقل به چند شغل و همچنین برای خانواده و فرزندان او در نهایت برای جامعه به‌وجود می‌آید، چه چیزهایی است؟**

چون این افراد دائماً در حال کار کردن هستند، رسیدگی به امور خانه و خانواده برایشان موضوعیتی ندارد. آنها نه تنها در

شغل، موثر است. به این معنی که به‌رغم درآمد مکفی، افراد به دلیل ترس از بیگاری، بر کردن اوقات فراغت یا حرص و ولع برای پول در آوردن، اقدام به انجام چند شغل به صورت هم‌زمان می‌کنند و به نوعی با این کار، «خود

شغل، موثر است. به این معنی که به‌رغم درآمد مکفی، افراد به دلیل ترس از بیگاری، بر کردن اوقات فراغت یا حرص و ولع برای پول در آوردن، اقدام به انجام چند شغل به صورت هم‌زمان می‌کنند و به نوعی با این کار، «خود

– ارضایی ذهنی» انجام می‌دهند تا احساس اهمیت و جایگاه اجتماعی در جامعه داشته باشند. حرص به جمع کردن پول و خرج کردن بیش از اندازه، یا آن چیزی که من آن را «شئ» سرسوری نام نهاده‌ام، دلیل دیگری بر چند شغله بودن افراد است. به عبارت ساده‌تر، افراد برای خریدن خودرو گرانیقیمت‌تر، طلا، وسایلهای لوکس منزل و چیزهایی از این دست، حاضرند از استراحت و راحتی خودشان بزنند اما چنین چیزهایی را تهیه کنند تا احساس شخصیت پیدا کنند؛ یا به نوعی احساس افتخار در برابر سایرین داشته باشند و به دیگران فخرفروشنده‌ی سرسوری چیزی است که در جامعه امروز شهری مشاهده می‌کنیم؛ یعنی افراد، بنده‌اشیاء شده‌اند؛ مدلول کلام فوق این است که چنین افرادی، با وجود داشتن درآمد کافی و داشتن استطاعت مالی، حاضرند برای خرید چیزهای غیر ضروری، از استراحت و بودن در کنار خانواده و فرزندان بگذرند. «ایو لاکست»، جامعه‌شناس آمریکایی می‌گوید: «مردمان جهان سوم، بیشترین درآمدشان را به جای تولید و کار، صرف تزیینات می‌کنند».

● **معضلات و مشکلاتی که به دلیل اشتغال به بیش از یک شغل، برای خود فرد شاعقل به چند شغل و همچنین برای خانواده و فرزندان او در نهایت برای جامعه به‌وجود می‌آید، چه چیزهایی است؟**

چون این افراد دائماً در حال کار کردن هستند، رسیدگی به امور خانه و خانواده برایشان موضوعیتی ندارد. آنها نه تنها در

شغل، موثر است. به این معنی که به‌رغم درآمد مکفی، افراد به دلیل ترس از بیگاری، بر کردن اوقات فراغت یا حرص و ولع برای پول در آوردن، اقدام به انجام چند شغل به صورت هم‌زمان می‌کنند و به نوعی با این کار، «خود

